

## ◀ سخن سردبیر

تقاضای شتابان برای آب آن هم در مکان‌های نامناسب، بسیار فراتر از امکانات عرضه آن است و این شکاف و پیامدهای خسارت‌بار و خطرآفرین آن، به صورت‌های مختلفی در کشور ما ظاهر شده است. هم‌اکنون شواهد بارزی چون خشک‌شدن باغات، کاهش محصول، تعداد شهرهای دارای «بحران» و کوچ روستائیان نشان می‌دهد که خسارت‌های اقتصادی کمبود آب باکیفیت مناسب در بخش‌های مختلف اقتصادی بسیار سنگین است. از آن سنگین‌تر، تأثیر تخلیه ذخایر ثابت آب زیرزمینی و نشست زمین بر تخریب سرمایه‌های طبیعی (مانند منابع خاک، آبخوان‌ها و تالاب‌ها) و زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی است. این در شرایطی است که تخصیص مجدد که در اسناد برنامه ششم با عنوان «آب قابل برنامه‌ریزی» از آن یاد شده، باید به معنی بازبینی اساسی در سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه تلقی شود، اما نشده است. در حالی که ابعاد این تغییرات باید باعث کاهش چشمگیر کاهش برداشت به میزان ۱۱ میلیارد مترمکعب در سال و مشاهده تغییرات اساسی در ترکیب «رد پای آب» در ایران شود. این مهم فقط با صرفه‌جویی در مصارف شخصی یا در سطح مزرعه، کارخانه و شرکت نمی‌تواند حاصل شود و باید از آن فراتر رود و مسیر توسعه ملی و منطقه‌ای آینده کشور را دگرگون کند. قابل توجه است که این دگرگونی اختیاری نیست و هم‌اکنون اجباراً به طور برنامه‌ریزی و کنترل نشده است که به صورت تنگنا و مزیقه هر سال اتفاق می‌افتد و ما شاهد پیامدهای به شدت خسارت‌بار و رو به گسترش آن در جای‌جای کشور هستیم. توجه شود که خشک‌شدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها آخرین زنگ خطر برداشت بی‌رویه است که سالهاست به صدا درآمده و به آن توجه نشده است. فرونشست زمین و گسترش بیابان‌ها و کاهش رطوبت خاک و ایجاد چشمه‌های تولید گرد و غبار و ریزگرد با منشأ داخلی و پایمال شدن و از بین رفتن حقایق‌های کشاورزی و کوچ روستائیان به حاشیه شهرها و مناطق مسکونی غیررسمی، از نشانه‌های انکارپذیر مقاومت در مقابل ضرورت تغییر الگوی توسعه است.

